

مصاحبه محمدعلی عموی در تهران

ادامه ریاست جمهوری احمدی نژاد واقعا موجب نگرانی است

این بار نیز مسئله تایید نظام است و لاغیر. نظام سیاسی ایران معتقد است که هرکسی که وارد صحنه انتخابات شود می تواند او را اداره کند.

سایت روزآنلاین متن مصاحبه ای را با علی عموی منتشر کرده که در تهران با وی انجام شده است. این مصاحبه را برای آگاهی آندسته از خوانندگان راه توده که احتمالا مصاحبه مذکور را در آن سایت خبری نخوانده اند منتشر می کنیم.

آقای عموی همانگونه که اطلاع دارید آقای خاتمی اعلام کردند که یا ایشان یا آقای حسین موسوی نخست وزیر زمان آیت الله خمینی به صحنه انتخابات ایران وارد خواهند شد. به نظر شما از میان این دوکاندیدا کدامیک بیشتر می توانند با ادبیات خود و با طرح مسایل اصلی جامعه ایران از سد رای پادگانی آقای احمدی نژاد عبورکنند؟

وجیه تر از همه کاندیداها همین دوشخصیتی هستند که شما از آن ها نام بردید. این دو به لحاظ سوابق شان انسان های شریفی و سالمی هستند، ولی از لحاظ مدیریت اجتماعی و اجرای وظایفی که به عهده یک رییس جمهوراست، مانند اجرای دقیق قانون اساسی، تجربه آقای خاتمی طی ۸ سال ثابت کرده که ایشان توان اجرایی کردن آن حقوق را ندارد. خود ایشان درپایان دوره دوم ریاست جمهوری گفتند که من تدارکات چی بودم. آقای موسوی هم دردوره جنگ نخست وزیر بودند و بارها و بارها با مشکلاتی مواجه شدند که تنها حمایت آقای خمینی از ایشان موجب شد دچار بحران های گوناگون نشوند. امروز به ویژه باید این موضوع را مدنظر قراردهیم که ترکیب حاکمیت به گونه ای شده که با زمانی که آقای موسوی نخست وزیر بودند تفاوت کرده است. آن دوره دستشان برای اجرای سیاست هایی که البته از طریق آقای خمینی تعیین می شد، باز بود. از این رو اینکه نقش ایشان در آن زمان تا چه اندازه بوده نمی تواند معیاری برای شرایط امروز جامعه ایران باشد. لذا به طور کلی شخصا اعتقاد دارم مادام که موانع انجام وظایف ریاست جمهوری بیان نشود یا اینکه چه تدابیری باید اندیشیده شود که این موانع رفع شود شرکت در این انتخابات کاری است عبث و بی معنی.

ظاهرا آقای خاتمی هم مطرح کرده اند که اگر دست های خاصی بخواهند از شخص خاصی حمایت بکنند مردم وارد انتخابات نخواهند شد و درمجموع درمواضع خود خواهان انجام انتخابات سالم با تاکید بر حفظ آرا مردم شده اند. با این همه به نظر شما در این شرایط چه کسی باید کاندیدای اصلاح طلبان باشد تا بتواند از سد به قول آقای حجاریان سازمان حزب پادگانی که برای رای آوری ایجاد شده عبورکند و برآن پیروز شود؟

ببینید آقای حجاریان در زمان ریاست جمهوری آقای خاتمی و حاکمیت اصلاح طلبان بر مجلس اظهار داشتند قدرت حقوقی در اختیار اصلاح طلبان است ولی قدرت حقیقی در اختیار آنان نیست. این مسئله به گمان من در حال حاضر نیز مطرح است. آقایانی که می خواهند در انتخابات شرکت کنند آیا پاسخی برای مشکلی که آن زمان آقای حجاریان مطرح کرد دارند یا خیر؟ اگر دارند باید عنوان بکنند تا کسانی که علاقمند به تغییر وضع کنونی هستند بسیج شوند و به میدان بیایند و از کسی که قادر است از چنین ابزاری برای پیشبرد جامعه استفاده کند حمایت کنند. اگر هم تمهیدی دیده نشده و نتوانسته اند تدبیری برای این امر بیاندیشند تا به اختیاراتی که قانون اساسی برایشان تدارک دیده، عمل کنند، مشارکتشان در انتخابات کار عیثی است. من ایرادم به آقایان اصلاح طلب هالین است. تکلیف جناح مقابل روشن است. آنان

در عمل نشان داده اند که حاصل کارشان جز ویرانی کشور و اقتصاد و جز گرانی و بیکاری چیز دیگری نبوده است. مضافاً بر این تهدیداتی است که از خارج وجود دارد. ولی اگر آقایان اصلاح طلب می خواهند تمهیدی به خرج بدهند و کرسی ریاست جمهوری را در اختیار بگیرند، به گمان من با شرایطی به مراتب دشوارتر از ایام ۸ ساله آقای خاتمی روبرو هستند. توجه داشته باشید که در آن زمان مجلس را هم داشتند، ولی در شرایط کنونی دارای مجلس دیگری هستند که اکثریت آن از آقایان محافظه کار تشکیل شده است. به چه امیدی دوستان اصلاح طلب می خواهند جلب توجه آرا مردم را بکنند؟ به فرض آنکه در این کار نیز موفق شوند و بتوانند از نارضایتی اکثریت واجدان شرایط شرکت در انتخابات بهره بگیرند و رای را به صندوق به نفع خودشان جمع آوری کنند ولی با این رای می خواهند چه برنامه و چه اهدافی را متحقق سازند؟ من تا کنون برنامه معینی از آقایان مشاهده نکرده ام جز کلی گویی. گفتن جملات کلی و زیبا هم کار بسیار دشواری نیست.

البته این بار آقای موسوی با آقای خاتمی در یک جبهه وارد میدان شده اند. چون تاکنون مهندس موسوی از اینکه وارد فعالیت های سیاسی شوند، ابا داشتند.

واقعیت این است که ما از فعالیت های پشت پرده اطلاعی نداریم. یک بار دیگری که آقای موسوی مطرح شده بود و بنا بر این بود که نامزد انتخاباتی شوند، شایعه تهدید ایشان از سوی گروه های فشار در جامعه مطرح شد و به دنبال آن ایشان هم اعلام انصراف کردند. حالا اینکه در شرایط کنونی تا چه اندازه این فشارها کاهش یا افزایش یافته، اینکه چه قول و قرارهای در این میان داده شده، من بیشتر احتمال می دهم که مسئله دعوت هرچه بیشتر افراد واجد شرایط برای شرکت در انتخابات در این مرحله مسئله اساسی تلقی می شود. به عبارت دیگر این بار نیز مسئله تایید نظام است و لا غیر. نظام سیاسی ایران معتقد است که هرکسی که وارد صحنه انتخابات شود می تواند او را اداره کند.

فکر می کنید یک جنبش اجتماعی برای اینکه با توسل به آن اصلاح طلبان از سد آقای احمدی نژاد و رای سازمان یافته حزب پادگانی عبور کنند وجود دارد؟ چون مطرح شده که در حال حاضر کنار گذاشتن آقای احمدی نژاد خود یک هدف بسیار بزرگ است.

بله حضور آقای احمدی نژاد واقعا موجب نگرانی اکثر اقتصاددانان کشور و سیاستگزاران مملکت است و تمام صحبت ها بر سر این است که کسی بتواند قدرت رقابت با آقای احمدی نژاد را داشته باشد. اما برای اینکه چنین هدفی به ثمر برسد حتما باید آن شور و حالی که در سال ۷۶ برای شرکت در انتخابات و حمایت از کاندیداتوری آقای خاتمی مطرح بود به وجود بیاید که در حال حاضر ما آن شور و حال را مشاهده نمی کنیم.

یعنی شما شرایط یک جنبش اجتماعی را در داخل ایران مشاهده نمی کنید؟

با کمال تأسف من چنین چیزی را مشاهده نمی کنم. یک نارضایتی عمومی مشاهده می شود اما در جهت ایجابی و اثباتی این نارضایتی در حال حرکت نیست.

اگر این نارضایتی بخواهد به جهت ایجابی هدایت بشود، به نظر شما اگر کاندیداهای شعارهایی را درباره قدرت حقیقی مطرح کنند کافی به نظر می رسد؟

این مطلب بسیار مهم است. اگر روی مسئله نظارت استصوابی و نظارت بر صندوق های انتخابات، تضمین هایی داده شود، احتمال آنکه مشارکت بالا برود کم نیست.

اگر کاندیداهای اصلاح طلب بخواهند در ارتباط با مواردی که شما مطرح کردید مانند نظارت استصوابی و تضمین انتخابات و... صحبت کنند فکر می کنید در مجموعه موجود اصلاح

طلبان اعم از آقای خاتمی و دیگر کاندیداها، کدامشان امکان آوردن رای بیشتری در انتخابات را دارند؟

شاید نشود با دقت تمام در این باره صحبت کرد، ولی با توجه به احتمالات باید بگویم که سه کاندیدای احتمالی آقای خاتمی، آقای موسوی و آقای نوری بیش از همه وجاهت دارند.

به عنوان سوال آخر کاندیداها باید در مورد کدامیک از تضمین ها در این شرایط صحبت کنند؟ واقعیت این است که حتما کاندیداها باید بتوانند نمایندگانی بر سر صندوق های رای بگمارند تا هم برچگونگی اخذ آرا و هم برچگونگی استخراج و قرائت آراء نظارت داشته باشند. با کمال تاسف چنین نظارتی وجود ندارد و در نهایت نمی توانیم امنیت صندوق هارا حفظ شده بدانیم از این رو آن اعتماد لازم نیز وجود ندارد .

راه توده ۲۰۹ ۱۹,۰۱,۲۰۰۹